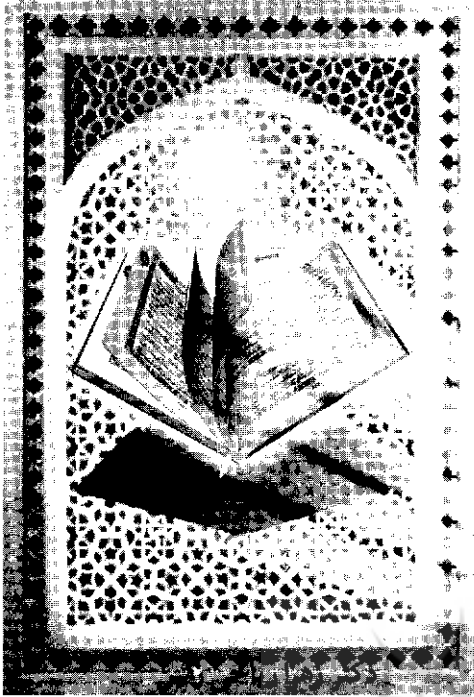


شناسان قرآن و خاور



چکیده

قرآن، کتاب دین و زندگی مسلمانان، از حدود قرن دوازدهم میلادی مورد توجه خاص دنیای غرب و مسیحیان قرار گرفت. بسیاری از شرق شناسان با نگرش های مختلف اثباتی یا انکاری به سراغ اسلام و آیین نامه آن، قرآن، آمدند و در این نگرشها به کشفیات تازه ای در شناخت این کتاب الهی دست یافتند. مطالعه پژوهشگران غربی و اغلب غیر مسلمان در قرآن، بیشتر در زمینه های ادبی، علمی، اجتماعی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی صورت گرفته است. حاصل این مطالعات و جست و جوها دهها کتاب، مقاله و ترجمه همه یا بخشی از قرآن است. برخی از این تحقیقات با برداشت های کاملاً صحیح از تعالیم اسلام و قرآن همراه است و برخی، عمداً یا سهواً مشتمل بر خطاهایی شده است.

مقدمه

خاورشناسان از دیرباز تحقیقات گسترده ای در زمینه قرآن انجام داده اند. اگر چه پاره ای از تحقیقات با غرض ورزی های سیاسی و استعماری و مذهبی همراه بود و به منظور خدشه دار کردن حریم قدس اسلام و قرآن، و باطل جلوه دادن تعالیم اسلام، همراه با انتقادهای شدید اللحن، صورت گرفته است، اما در بسیاری از این

پژوهش‌ها، صرفاً هدفی شناختی وجود داشته و از جنبه علمی و تحقیقی به قرآن نگریسته شده است.

این تحقیقات به اعتبار توجه خاصی است که اسلام‌شناسان غربی به اسلام و در رأس آن قرآن مجید داشته‌اند. آنان دریافته‌اند که قرآن، مسیر زندگی خواص و عوام مسلمانان را در جزیره العرب و دیگر نقاط جهان دگرگون ساخت. به دنبال پاسخگویی به علت و چرایی این امر و به دلیل اهمیت ویژه این کتاب، آنان تلاش کرده‌اند برای روشن شدن زوایای ارزشمند و چهره تابناک مکتب قرآن در نزد جهان غرب و مسیحیت، پژوهش‌هایی انجام دهند. در این تلاش، گاه‌گویی سبقت از شرق و علمای شرقی معاصر نیز ر بوده‌اند و شرقیان را وامدار خود کرده‌اند. از این میان فعالیت‌هایی نظیر بررسی در تاریخ قرآن و علوم قرآنی، ترجمه قرآن، گردآوری، تصحیح و انتشار متون قرآنی و تفسیری، فهرست‌بندی قرآن‌های موجود و کتاب‌های ادبی قرآنی و تفاسیر، (معاجم و فهارس)، تحقیق در الفاظ و مفردات قرآن و واژه‌های بیگانه در قرآن، قرائات قرآن و شرح زندگی قاریان، تأثر قرآن از سایر ادیان الهی، زبان‌شناسی عربی در قرآن، بلاغت قرآن، قواعد زبان قرآن، اعجاز قرآن، زندگانی و اندیشه پیامبر (ص) در قرآن، و تحقیقات دیگری نظیر قیامت در قرآن، شرع در قرآن، انسان در قرآن، قانون در قرآن، طب در قرآن، داستان‌های قرآنی و بسیاری موضوعات دیگر را می‌توان نام برد.

توجه خاورشناسان به قرآن و علوم قرآنی تا بدانجا پیش رفت که حتی در قرن نوزدهم، اسلام‌شناسان آلمان اقدام به ایجاد مجمعی به نام «باواری» در شهر «مونخ» کردند که هدف آن گردآوری و انتشار تمامی منابع و آثار مربوط به قرآن و علوم آن و ضبط قرائات قرآنی بود. این مأموریت بی نظیر را استاد «برگشترایسر» و پس از او همکار و جانشینش «اتوپریتسل» بر عهده گرفتند^۱ و به موفقیت‌هایی نیز نایل شدند. بعضی از تحقیقات دامنه‌دار شرق‌شناسان در زمینه قرآن و علوم قرآنی به زبان‌های مختلف از جمله عربی و فارسی ترجمه شده و در اختیار مسلمانان و اسلام‌پژوهان قرار گرفته؛ اما بسیاری از آنها همچنان ترجمه نشده در دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های غرب، دور از دسترس مسلمانان و یا اندیشمندان اسلامی، باقی مانده است و همت مترجمان علاقمند را برای ترجمه و شناساندن آنها به دستداران علوم قرآنی می‌طلبد.

به طور کلی اسلام‌شناسان غربی از چند بُعد به اسلام و بالاخص قرآن نگریسته‌اند

و آن را مورد نقد و ارزشیابی قرار داده‌اند. در این نقد و نظرها جنبه رد و انکار یا قبول و اثبات از جانب مستشرقان حفظ شده است. برخی از این پژوهشگران تنها از دیدگاه ادبی به قرآن پرداخته‌اند و نظریات خود را در این زمینه ارائه داده‌اند، برخی قرآن را با دید علمی بررسی کرده‌اند، گروهی قرآن را تنها کتاب سیاست دانسته‌اند؛ بالعکس، پاره‌ای آن را تنها کتاب دینی شناخته‌اند، عده‌ای این کتاب را تألیف خود پیامبر (ص) معرفی کرده‌اند و وحی را رد کرده‌اند، دسته‌ای دیگر قرآن را تقلیدی از دیگر کتب آسمانی نشان داده‌اند، بعضی گفته‌اند این کتاب تحریف شده، و قابل استناد نیست، گروهی تأثیرات قرآن را بر جامعه و ایجاد روح همبستگی و اتحاد بین مسلمانان را مورد نظر قرار داده‌اند و بالاخره عده‌ای با اعتراف به جامعیت قرآن در مورد آن سخن گفته‌اند. آنچه بیش از همه توجه اسلام شناسان غربی را به خود معطوف کرده ارزش ادبی قرآن، میزان انطباق قرآن با علوم و درجه فراگیری و جامعیت قرآن است. در این گفتار به بررسی این موارد پرداخته می‌شود.

قرآن و ارزش ادبی

بعضی از خاورشناسان، قرآن را قطع نظر از جنبه وحیانی آن، تنها یک اثر ادبی ارزنده در ادبیات عرب می‌دانند و از لحاظ ارزش‌های ادبی و زیبایی شناسی گفتار بدان می‌نگرند. بسیاری از این افراد با دیدی منصفانه عقاید خود را درباره اعتبار لفظی و معنوی قرآن بیان می‌دارند. از جمله خاورشناس معاصر انگلیسی و استاد دانشگاه کمبریج، «کینت گریک»، صاحب کتاب «قرآن را چگونه شناختم»، می‌گوید:

محتاج تفصیل نیست که قرآن، از لحاظ مذهبی کوچک‌ترین اثر در یک مسیحی اروپایی ندارد و یک خواننده اروپایی، برخلاف مسلمانان، قرآن را وحی نمی‌داند و معتقد نیست که از جانب خداوند برای پیامبر اسلام نازل شده است. پس اثری که قرآن در یک خواننده اروپایی می‌کند تأثیری است که کلمات و معانی قرآن در او می‌نماید... یعنی آنها [اروپائیان] در درجه اول، تحت تأثیر کلام قرآن قرار می‌گیرند.^۲

این خاورشناس تأثیر قرآن را در مجموعه‌ای از علل می‌داند و به شرح و تفصیل

آنها می‌پردازد:

جاذبه مغناطیسی کلمات قرآن، از یک علت بوجود نمی آید بلکه مجموعه ای از علل، آن جاذبه مغناطیسی را بوجود می آورد. یکی از آنها ردیف کلمات قرآن است و هرگاه آن ردیف، در متن اصلی، بر هم بخورد، بر جاذبه مغناطیسی کلمات قرآن لطمه وارد می آید. علت دیگر، صرف ونحو عربی است کادر تمام کلمات قرآن می باشد... قرآن از لحاظ قوانین علوم نحو و صرف بدون نقص است و این یکی از چیزهایی است که مسلمانان را قائل می کند که قرآن می تواند اعجاز کند، خود، یک معجزه است... علت سوم، سادگی کلمات قرآن، بخصوص در سوره های کوتاه آن است... سادگی کلمات و صفت ها و تعبیرها و تمثیل ها و سوگندها که در قرآن هست، در بین کتب مذهبی، به آن برجستگی می دهد... علت دیگر نیروی جاذبه قرآن، ابهت کلام است و این را هم مسلمان ها دلیل الهی بودن قرآن می دانند و می گویند که اگر قرآن کلام خدا نباشد این چنین دارای ابهت نیست....

اسلوب قرآن، نشان می دهد که در یک اثر ادبی، می توان کمال سادگی را با کمال ابهت، در یک جا جمع کرد و از ادغام آنها چیزی بوجود آورد که امروز هم مانند صدر اسلام از لحاظ اسلوب ادبی، برجسته ترین کتاب دینی جهان باشد و بعد از هزار و چهار صد سال رایحه کهنگی از آن به مشام نرسد... علت دیگر که قرائت قرآن را برای یک خواننده اروپایی به گونه ای جالب توجه می کند که او را مجذوب می نماید. نثر ادبی قرآن است که مسلمانان آن را عالی ترین نثر ادبی در تاریخ ادب جهان می دانند و می گویند که برتر از آن نیامده و نخواهد آمد، زیرا نثر قرآن به عقیده آنها کلام خدا می باشد. یک محقق اروپایی و مسیحی، نمی تواند قبول کند که نثر ادبی قرآن کلام خدا باشد چون عقیده دینی او، مانع از قبول این موضوع است اما تصدیق می کنم با این که نثر ادبی یک قسمت از آیات قرآن شعر نیست، در زبان عربی شعری به فصاحت و استحکام و جذبه آنها سروده نشده است و نثر ادبی قسمتی از سوره های قرآن از تمام اشعار عرب که قبل از اسلام و بعد از آن سروده شد فصیح تر است.

می بینیم که همه گفته های او حکایت از ارزش ادبی فوق العاده قرآن و بی همال

بودن آن در میان آثار منظوم و منثور عربی، دارد. یک نکته که در اظهارات «کریگ» و بسیاری از خاورشناسان بخوبی نمایان است مسأله نفوذ فوق العاده قرآن در دل حتی غیر مسلمانان است. این آهنگ متوازن و گوش نواز قرآن که ناشی از بلاغت آن است، همه شنوندگان را به اعجاب و تحسین واداشته است. «کارلتون. اس. گون»، مستشرق امریکایی، در این مورد می گوید:

یکی از مزایای عظیم قرآن، بلاغت آن است. قرآن هنگامی که درست تلاوت شود چه شنونده به لغت عربی آشنایی داشته، آن را بفهمد یا نفهمد، تأثیر شدیدی در او گذاشته، در ذهنش جای گیر می شود. این مزیت بلاغتی قرآن قابل ترجمه نیست.^۴

دیگر پژوهندگان غربی اسلام نیز که با سعه صدری در خور به قرآن پرداخته اند معترف به این حقیقت هستند که فصاحت و بلاغت قرآن، که آن را به صورت شاهکار بی مانند زبان عربی جلوه داده، بسیار اعجاب انگیز است. جمال صوری و عظمت معنوی قرآن به نحوی شگرف در دلها نفوذ می کند و همه را به تسلیم می کشاند. «آرتور آربری»، خاورشناس مشهور انگلیسی و استاد دانشگاه کمبریج و مترجم قرآن مجید به زبان انگلیسی، «رینولد نیکلسن»، استاد عربی آربری و محقق در ادبیات فارسی و عربی و مسلط به هر دو زبان، «پروفیسور آلفرد گیوم»، فارغ التحصیل دانشگاه آکسفورد و استاد زبان عربی در دانشگاه های اروپا و خاورمیانه، «بار تلمی سنت هیلر»، خاورشناس فرانسوی و «ویل دورانت»، استاد فلسفه و نویسنده امریکایی، از این قبیلند.^۵

«جان دیون پورت»، خاورشناس انگلیسی، در کتاب «عذر تقصیر به پیشگاه محمد(ص) و قرآن»، ضمن اشاره به ارزش ادبی قرآن و وزن و آهنگ اجزای آن به این مطلب می پردازد که:

قرآن به عنوان نمونه اعلای زبان عربی پذیرفته شده و مملو از درخشنده ترین اشکال و محکم ترین تشبیهات است و با این که مبهم و متمایل به بسط و تفصیل است، در عین حال به طور کلی، قوی (پرمایه) و عالی است.^۶

با آن که این محقق، قرآن را مشتمل بر تمام مظاهر زیباشناسی و عاری از هرگونه خلل و ناسازگاری می داند، اما بسیاری از خاورشناسان، که آشنایی کامل و کافی با

ادبیات عرب و ظرافت های کلامی قرآن ندارند، گاهی در تحقیقات خود بر سر قضاوت در امور ارزش ادبی قرآن به بیراهه می روند و مسائلی را مطرح می کنند که برای علمای ادبیات عرب و سایر قرآن پژوهان قابل پذیرش نیست؛ به عنوان مثال، «توماس کارلایل»، دانشمند معروف انگلیسی که در میان خاورشناسان به انصاف و واقع نگری شهرت یافته است، قرآن را کتابی مشکل و پرزحمت و بدون نظم می داند.^۷ «کارل بروکلمان»، استاد بسیاری زبان های شرقی دانشگاه های آلمان و صاحب کتاب «تاریخ ادبیات عرب»، اسلوب قرآن را شبیه سجع کُهان جزیره العرب می داند و به این اعتبار، ارزش بلاغی چشمگیری برای آن قائل نمی شود.^۸ «جان برتون» انگلیسی آن را حاوی اغلاط لغوی متعددی می داند که حتی عثمان هم هنگام جمع آوری قرآن متوجه آنها شده؛ اما دستور داده است که همچنان حفظ شوند و اعراب هنگام قرائت آنها را اصلاح کنند!^۹ «جیمز ا. بلامی» امریکایی و استاد دانشگاه «میشیگان»، چند پیشنهاد برای اصلاح متن مغلوط قرآن (!) می دهد و معتقد است که غالب محققان غربی نیز همچون مفسران مسلمان از اصلاح متن قرآن طفره رفته اند.^{۱۰} «گلدزیهر»، خاورشناس یهودی مجاری و استاد زبان های عربی و سامی و محقق در زمینه ادیان و مذاهب، علاوه بر اعتقاد به تقارن سبک قرآن با سجع کُهان، پا را فراتر گذاشته، نشر قرآن را در برخی سوره بسیار سست و فاقد ارزش ادبی و در حد یک نثر معمولی دانسته است و بنابراین، معتقد به وجود دوگانگی سبک بیان و انشای قرآن در آیات مکی و مدنی گردیده است.^{۱۱}

«شیخ محمد غزالی»، دانشمند معاصر مصری، در پاسخ به ادعا و انتقاد گلدزیهر، مبنی بر تفاوت ارزش بلاغی سوره های مدنی و مکی و دوگانگی آنها، چنین می نویسد:

از این بیان چنین برمی آید که این مرد نمی فهمد که تفاوت مطالب و اختلاف معانی، مقتضی تنوع و تفاوت در بیان آن مطالب و ادای آن معانیست، چنان که وقتی موضوع یک آیه فی المثل تقسیم میراث باشد، ممکن نیست که عبارت آیه اسلوبی عاطفی و شور و حرارت حماسی داشته باشد و با همان هیجانی که در وصف احوال قیامت و به منظور رام کردن غرائز سرکش به کار رفته پرداخته شود. و هم چنین سخن درباره مجد و جلال خدا از خلال تأمل در عظمت

آفرینش، مقتضی اسلوبی غیر از اسلوب بیان احکام ازدواج و طلاقست. و بلاغت - چنان که در تعریف علمای ادب آمده - همانا رعایت مقتضای حالست، و از اینجا معلوم می شود که خرده گرفتن نسبت به بلاغت بعضی از آیات قرآن، به جهت این که این بعض، شور انگیز و تکان دهنده نیست، سخنی باوه و ادعایی گزافست. ۱۲

گاهی کار قضاوت های غلط و تحقیقات سطحی نگری محققان غیرمسلمان قرآن چنان بالا می گیرد که حتی سبب می شود خاورشناسی چون «تئودور نولدکه»، پیر خاورشناسان آلمانی، که در میان مستشرقان زمان خود از جهت شناخت کامل سه زبان عربی، سریانی و عبری و ادبیات یونانی، وحید روزگار بود، ساختار قرآن را به اعتبار ساخت قصصی و فاقد تسلسل در طریقه اخبار و سیر، مورد انتقاد قرار دهد و بگوید: قصص قرآن از هم گسسته است تا آنجا که فهم آنها بر کسی که این قصه ها را از منابع دیگر اخذ نکرده باشد، دشوار می نماید. ۱۳

و بر تکرارها و انتقال خطاب های قرآن خرده بگیرد. اما همین شخص، پس از دقت و بررسی بیشتر در قرآن، به این نکته می رسد که:

دقایق بلاغت و حقایق فصاحت آمیز قرآن، ذهن مؤمنان را از معقولات متوجه تخیلاتی می نماید که بدون انس کافی با زبان عربی درک آن محال است. کلمات قرآن چنان خوب به هم پیوسته که استماع آن از لحاظ هم آهنگی و روانی، گویی نغمه فرشتگان است، جان مؤمنان را به شور می آورد و قلب آنان را مالا مال از وجد و طرب می سازد... ۱۴

وظیفه پاسخگویی به ایرادهای اولیه «نولدکه» را استاد «انیس المقدسی» عهده دار شده و گفته است:

انصاف است که بگویم نولدکه در نقد اسلوب قرآنی به خطا رفته است زیرا روا نیست که اسلوب قصه در قرآن با اسلوب قصه در تورات مقابل یکدیگر قرار گیرد، هدف و غرض از قصه در این دو کتاب متفاوت است. در تورات علاوه بر اسفار پیامبران و امثال و سرودهای روحانی معنوی، رویدادهای منظم تاریخی نیز ذکر شده که به طریق واضح و معمولی از آنها خبر داده شده است؛ اما قرآن در ضمن اشاره به رویداد و حادثه ای، قصد تذکیر و تهویل و

ترساندن دارد و به همین دلیل این داستان‌ها به حسب اقتضای کلام، تکرار می‌شود و بسیار اتفاق می‌افتد که قرآن به شیوه اشاره و تلمیح به روایت این اخبار می‌پردازد و همان‌گونه که معروف است روش خطابی، اقتضای تکرار می‌کند. و اما درک حقیقت التفات که نوعی از بلاغت عربی است برای غیر عربی‌زبانان و غیر آگاهان به اسرار این زبان دشوار است. ۱۵

سخن درباره ارزش ادبی و بلاغی قرآن زیاد است و تفاوت دیدگاهها فراوان؛ اما آن‌چه همه یا اکثر خاورشناسان آن را پذیرفته‌اند و بدان معترفند، تأثیر قرآن بر ادبیات عرب و تکامل ادب عربی به خاطر تماس با قرآن است که بر کسی پوشیده نیست. دکتر توشی هیکو ایزوتسو، پژوهشگر معاصر ژاپنی، و «کینت گریک»، محقق انگلیسی، اعتقاد دارند که زبان عربی در طول چهارده قرن، از نفوذ واژگان قرآنی بشدت متأثر شده و از چشمه سرشار قرآن سیراب گشته است. ۱۶

پطروشفسکی، در کتاب «اسلام در ایران»، در این باره چنین می‌گوید:

قرآن در محیط اسلامی هم چون اثری ادبی که نظیر و همانند ندارد شناخته شد. گرچه موازین و قواعد زبان عربی، تحت تأثیر منظومات و اشعار اعراب زمان جاهلیت - پیش از اسلام - مکنون گشته بوده، در عین حال قرآن در تکامل بعدی آن زبان بسیار مؤثر بوده است. ۱۷

از نتایج بسیار سودمند این تأثیر، آن‌گونه که «فیلیپ. ک. حتی» می‌گوید، اتحاد و یکی شدن لهجه‌های مختلف قبایل عرب زبان به برکت وجود قرآن است. ۱۸

همین تأثیرات عمیق ۱۴۰۰ ساله قرآن بر نظم و نثر عربی، حکایت از اعجاز قرآن می‌کند که برخی از مستشرقان از جمله امیل درمینگهام، خاورشناس فرانسوی، جان. دیون پورت و دکتر هنری استیپ، و دیگران را نیز به اعتراف واداشته است ۱۹؛ معجزه جاویدانی که به قول «دیس ریه بلانسیه»، خاورشناس معاصر، همه را در بن بست عجز، بهت زده کرده و تمام درهای امید را به رویشان بسته است. ۲۰

قرآن و علم

یکی دیگر از ابعاد قرآن که مورد بررسی دانشمندان اسلام شناس قرار گرفته است، مسأله همگامی آن با علوم و معارف روز می‌باشد. اسلام و مسلمانان هرگز چنین ادعایی

نداشته‌اند که قرآن یک کتاب صرفاً علمی است و حتی برخی هم چون دکتر محمد کامل حسین مصری، از قرآن‌شناسان مصر، کوشش برخی از مفسران را که تلاش کرده‌اند بین قرآن و پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی معاصر پیوندی برقرار کنند و نشان دهند که همه علوم و دانش‌ها را قرآن پیشگویی کرده، و سواسی مغایر با روح قرآن می‌داند. ۲۱.

با این حال، برخی معتقدند داده‌های مجمل قرآن با کشفیاتی که در رشته‌های مختلف علوم صورت می‌گیرد قابل حل و رفع است. مارسل بوآزار، خاورشناس فرانسوی، در کتاب خود «اسلام و جهان امروز» چنین می‌گوید:

قرآن اثری فنی نیست، بلکه جوهر و ذات آن نزدیک به علم است. قرآن همیشه اثر ادبی، کامل و بی‌نظیر در همه اعصار بوده است و خواهد بود. با این حال از گذشته نزدیکی نیز از جهت علمی به معنای محدود کلمه، مورد تحلیل قرار گرفته است و کشفیات حاصله به نظر استثنایی می‌رسد. و این از «معجزات» عظیم «قرآن» پرده برمی‌دارد. قرآن کریم مملو از داده‌ها و اطلاعاتی است که فهم و صحت آن ممکن نگشته است، مگر به کشفیات معاصر: ژنتیک، نجوم، فیزیک، زیست‌شناسی، پزشکی، کیهان‌شناسی و... ۲۲.

بعضی حتی با ابزار فنی و الکترونیک و با استفاده از معلومات کامپیوتری، دست به تحلیل‌هایی زده، نظم عددی کاملی را در قرآن یافته‌اند. مثلاً با محاسبات بسیار دقیق ثابت کرده‌اند که همه چیز در قرآن اعم از تعداد آیات، سوره‌ها، کلمات، حروف، تکرارها،... مضربی از دو عدد اول ۷ و ۱۹ هستند و این نظم در سرتاسر قرآن به چشم می‌خورد. البته آنان که به قرآن به عنوان یک کتاب الهی می‌نگرند، این نظم عددی را به «اعجاز عددی قرآن» تعبیر کرده‌اند و آنان که قرآن را کتابی ارزشمند و غیر وحیانی می‌دانند از این کشف، به عنوان رابطه دقیق و جالب قرآن با علوم ریاضی و آماری یاد می‌کنند.

مارسل بوآزار، ضمن آوردن نمونه‌ای از این محاسبات می‌گوید:

از این تحلیل ریاضی نباید شتاب زده و اشتباه استنتاج کرد. قرآن نوشته مقدسی است که اعجاز آن بر حسب اعتقاد مسلمان‌ها در انسجام و غیر قابل تقلید بودن آن است، با این حال اشاره مختصری به این تلقی اطلاعاتی، بی‌آن که

خصلت اسطوره‌ای یا غیر آن برای آن قائل شویم، نیز جالب است. ۲۳. به هر جهت، با آن که مسلمانان معتقدند در مکتب اسلام هیچ گاه علم و دین مغایر و متضاد با هم نبوده‌اند و بسیاری از دانشمندان منصف غرب نیز این حقیقت را پذیرفته‌اند؛ اما همان گونه که دکتر موریس بوکای، پزشک جراح و محقق فرانسوی هم می‌گوید در جوامع غربی عقیده باطلی وجود دارد مبنی بر اینکه:

اسلام دین منجمدی است که معتقدانش را در قرون وسطای بسر آمده نگاه می‌دارد و آنها را برای انطباق با پیروزی‌های فنی عصر جدید نامستعد می‌سازد. ۲۴.

این عقیده باطل را به عنوان مثال، در خطابه افتتاحیه «ارنست رنان» نویسنده و مورخ فرانسوی در «کالج دو فرانس» با عنوان «سهم خلق‌های سامی در تاریخ تمدن» که در تاریخ ۲۳ فوریه ۱۸۶۲ م ایراد کرده می‌بینیم؛ آنجا که می‌گوید:

اسلام کامل‌ترین آنتی‌تزاروپاست؛ اسلام تعصب است؛ اسلام تحقیر علم است؛ نفی جامعه مدنی است؛ ساده‌انگاری وحشتناک روحیه سامی است، که مغز انسانی را در تنگنا [قراری دهد] و راه آن را به هر ایده ظریف، به هر احساس لطیف و به هر تحقیق عقلانی می‌بندد تا به این توضیح واضح برسد که: «خدا خداست». ۲۵.

افرادی چون «ارنست رنان» و هم عقیده‌های او مطمئناً از خردگرایی و عقلانی بودن قرآن و توصیه‌های مکرر و اکید آن بر تدبیر، تعقل، تفکر، بصیرت، نگرستن و نظر در آفرینش و بسیاری سفارش‌های دیگر قرآن و پیامبر (ص) که همه با موضوع علم و دانش انطباق و سازگاری دارد، بی‌اطلاع بوده‌اند و همین ناآگاهی و سطحی‌نگری منجر به قضاوت غلط و ناعادلانه آنها در مورد اسلام شده است.

قرآن و جامعیت

بحث دیگری که در میان مستشرقان رواج یافته مسأله اشتغال قرآن بر همه مسائل ضروری و مورد نیاز حیات بشر است. در این مسأله هم اختلاف نظرها زیاد است. بعضی را اعتقاد بر آن است که قرآن تنها یک زندگینامه خصوصی است. ۲۶ مؤلف کتاب «شرق‌شناسی» در همین مورد به نقل از شاتوبریان، نویسنده و سیاح مشهور

فرانسوی، می نویسد:

قرآن کتاب «زندگی [حضرت] محمد (ص)» بود که شامل هیچ اصلی از اصول تمدن و یا دستوری که بتواند شخصیت افراد را تعالی بخشد نبود.^{۲۷} عده‌ای از جمله دکتر موريس بوکای، معتقدند قرآن تنها، کتابی با هدف دینی است:

قرآن کتابی نیست که هدفش تقریر برخی قوانین حاکم بر جهان باشد، بلکه هدف دینی اساسی دارد. بویژه در مورد توصیف‌های قدرت مطلقه خداوند که در آنها انسان‌ها به تفکر درباره کارهای آفرینش فرا خوانده شده‌اند.^{۲۸} در مقابل بعضی می‌گویند این کتاب تنها یک کتاب سیاسی است. کوسن دوپرسوال، خاورشناس فرانسوی و استاد کالج «دوفرانس»، آشنا به زبان‌های شرقی، به این اصل معتقد است و می‌گوید:

عربها توسط [حضرت] محمد (ص) به شکل یک جماعت مردمی درآمدند، و اسلام اساساً یک ابزار سیاسی است و نه اصلاً روحانی.^{۲۹} براساس عقیده گلدزیهر، قرآن نه یک کتاب کاملاً سیاسی و نه یک اثر کاملاً دینی است. گلدزیهر می‌گوید:

از نظر سیاسی قرآن «جز در بیست سال اول نشو و نمای اسلام، بر آن حکومت نکرده است.»^{۳۰} و از دیدگاه مذهبی «دشوار است که از خود قرآن بتوان یک مذهب اعتقادی یکپارچه، هماهنگ، بی تناقض بدست آورد. او از آموزش‌های مهم دین، جز کلیاتی مبهم به ما نمی‌دهد.^{۳۱} در مقابل همه این ناقص‌انگاریها، بعضی از همین مستشرقان به جامعیت قرآن اعتراف کرده و بر آن تأکید کرده‌اند.

«جان دیون پورت» به نقل از «گیبون» می‌نویسد:

از اقبانوس اطلس تا کنار رود گنگ، قرآن نه فقط قانون فقهی شناخته شده است، بلکه قانون اساسی، شامل رویه قضایی، و نظامات مدنی، جزایی و حاوی قوانینی است که تمام عملیات و امور مالی بشر را اداره می‌کند و همه این امور که به موجب احکام ثابت و لایتغیری انجام می‌شود ناشی از اراده خدا، و... به عبارت دیگر قرآن دستور عمومی و قانون اساسی مسلمانان

است. دستوری است شامل مجموعه قوانین دینی، و اجتماعی، و مدنی، و تجاری، و نظامی، و قضایی، و جنایی و جزایی. همین مجموعه قوانین از تکالیف زندگی روزانه تا تشریفات دینی از تزکیه نفس، تا حفظ بدن و بهداشت، و از حقوق عمومی تا حقوق فردی، و از منافع فردی تا منافع عمومی، و از اخلاقیات تا جنایات و از عذاب تا مکافات این جهان، تا عذاب و مکافات جهان آینده همه را در بردارد. ۳۲

خود «دیون پورت» نیز این عقیده را تاکید می کند و می گوید:

قرآن مانند انجیل نیست که فقط به عنوان میزان و شاخصی درباره عقاید دینی و عبادت و عمل پیروان آن شناخته شده است بلکه دارای مکتب و روش سیاسی نیز هست. زیرا تخت و تاج یا به عبارت دیگر اساس دستگاه و سازمان سیاسی روی این شالوده ریخته شده است و هر نوع قانون برای اداره امور کشور از این منبع گرفته می شود. و بالاخره کلیه مسائل حیاتی و مالی با اجازه همین منبع و مصدر قانونگذاری حل و تصفیه می شود. ۳۳

از دیگر معتقدان به جامعیت قرآن، اندیشمند و فیلسوف متفکر معاصر فرانسوی «روژه گارودی» را می توان نام برد. او که پس از عضویت در حزب کمونیست فرانسه و اعتقاد و به آیین مسیحیت، به اسلام روی آورده و نام اسلامی «رجاء» را برای خود برگزیده است، در کتاب «هشدار به زندگان» به مسأله فراگیر بودن قرآن و اسلام اشاره می کند. ۳۴ «کینت گریک» و «گوستاولوبون»، محقق و شرق شناس فرانسوی، نیز همچون «گارودی» و دیگران، اقتدار و جامعیت قرآن و اسلام را می پذیرند و در پی اثبات آن، دلایلی ذکر می کنند. ۳۵

پیش از آن که به بحث خود در زمینه برداشت های مختلف غربیان از قرآن خاتمه دهیم، لازم است به یک نکته بسیار مهم اشاره نماییم و آن، علت مخالفت های بعضی پژوهشگران غیر مسلمان با اسلام و قرآن است. این مخالفت ها که عمری به قدمت حیات اسلام دارد، گاهی تنها به این دلیل بوده که اسلام به عنوان دینی برتر در مقابل دیگر ادیان قد علم کرده و خود نشان داده است. بنابراین هر کس با آن مخالفت می ورزیده، مورد قبول جامعه متعصب اروپا و به خصوص مسیحیت واقع می شده است.

«دکتر بوکای» در این باره می نویسد:

هرگونه دشمنی با اسلام، حتی ناشی از جانب مخالفان شناخته شده مسیحیت، در برهه‌ای از زمان، مقبولیت گرم مقامات عالیرتبه کلیسای کاتولیک را دریافت. ۳۶

و گاهی این مخالفت‌ها به دلیل تحریف‌ها و قلب واقعیت‌های اسلام از جانب برخی مسیحیان مغرض بوده است. «نور من دانیل» می‌گوید:

تمایل تغییر ناپذیر در زمینه چشم پوشیدن از آنچه که قرآن معنا می‌دهد،... الزاماً متضمن این معناست که نظریه‌های قرآنی و یا سایر نظریه‌های اسلامی به صورتی پرداخته و عرضه می‌شد که مسیحیان را متقاعد نماید... تمایل بسیار کمی وجود داشت که آنچه مسلمانان در زمینه اعتقاد خود می‌گفتند واقعاً به عنوان اعتقاد آنها پذیرفته شود. ۳۷

و زمانی نیز، مخالفت به علت عدم درک صحیح از اسلام بوده است. مارسل بوآزار در این باره می‌گوید:

علل عدم درک اسلام توسط غرب متعدد و پیچیده است. این علل عمدتاً بر انگیزه‌های مذهبی، تاریخی، روانی، فرهنگی و آموزشی استوار بوده است. ۳۸

اما سرانجام حقیقت اسلام به طور نسبی خود را بر جامعه غرب آشکار می‌کند و موجب شگفتی می‌گردد و نویسندۀ محقق چون «مارسل بوآزار» فرانسوی را برآن می‌دارد که بگوید:

عجیب آن که در قرن روشنایی‌ها بود که سیمای اسلام مثبت‌ترین تصویر را ارائه داد. ۳۹

۱. محمد حسین علی الصغیر، خاورشناسان و پژوهش‌های قرآنی، ترجمه: محمد صادق شریعت/۷۴، قم: مؤسسه مطبع الفجر، چاپ اول، ۱۳۷۲؛ ابو عبدالله الزنجانی، تاریخ القرآن، صفحه «ی» مقدمه، طهران: مکتبه الصدر، ۱۳۵۴.

۲. کینت گریک، قرآن را چگونه شناختم، ترجمه: ذبیح الله منصوری/۲۵ و ۲۷، تهران: کتابفروشی ایرانیان.

۳. همان/۲۹-۳۷.

۴. اس. گون کارلتون، القافله، ترجمه: برهان دجاتی / ۱۵۰، به نقل از: علی آل اسحق خوئینی، اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان / ۵۵۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، اردیبهشت ۱۳۷۰.
۵. جواد سلماسی زاده، تاریخ ترجمه قرآن در جهان / ۳۵-۶۶، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۹؛ آلفرد گیوم، کتاب الاسلام، به نقل از: اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان / ۳۸۱؛ ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، ۳۷/۴، تهران: انتشارات اقبال، مرداد ۱۳۴۳.
۶. جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد (ص) و قرآن، ترجمه: سید غلامرضا سعیدی / ۹۱، قم: دارالتبلیغ اسلامی.
۷. تاریخ ترجمه قرآن در جهان / ۲۴.
۸. کارل بروکلمان، تاریخ الادب العربی، ترجمه عربی: الدكتور عبدالحکیم النجار، ۱۳۴/۱، قاهره: دارالمعارف بمصر، الطبعة الثانية، ۱۹۱۹.

9. Burton.John.Linguistic Errors in the Quran.Journal of Semitic Studies.

oxford.England.1988Autumn.33:2.pp.181-196

10. Bellamy.James.A.Some Proposed Emendations to the Text of Koran. Journal of the American Oriental Society.1993Oct.Des.113:4.pp.563-573.

۱۱. گلدزیهر، درسهایی درباره اسلام، ترجمه: دکتر علی نقی منزوی / ۱۸-۲۷، تهران: انتشارات کمانگیر، چاپ دوم، اسفند ۱۳۵۷.
۱۲. محمد غزالی مصری، محاکمه گلدزیهر صهیونیست، ترجمه: صدر بلاغی / ۴۰-۴۱، تهران: انتشارات حسینیه ارشاد، زمستان ۱۳۶۳.
۱۳. خاورشناسان و پژوهشهای قرآنی / ۳۷.
۱۴. تاریخ ترجمه قرآن در جهان / ۵۸.
۱۵. انیس المقدسی، تطور الاسالیب الثریة فی الادب العرب / ۶۱، بیروت: دارالعلم للملایین، الطبعة الرابعة، ۱۹۶۸.
۱۶. توشی هیکو ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه: احمد آرام / ۳۳، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۳؛ قرآن را چگونه شناختم / ۳۳.
۱۷. ای. پ. بطروففسکی، اسلام در ایران، ترجمه: کریم کشاورز / ۱۱۳، تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۰.
۱۸. حتی، فیلیپ، تاریخ العرب، ۱/ ۱۷۵، دارالکتاب، ۱۹۵۸.
۱۹. اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان / ۲۸۱ و ۵۹۸؛ عذر تقصیر به پیشگاه محمد (ص) و قرآن / ۹۲-۹۳.
۲۰. دیس ریه بلانسیه، هذا هو الاسلام / ۸۸، به نقل از: اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان / ۵۹۶.
۲۱. قرآن را چگونه شناختم / ۲۰۸-۲۰۹.
۲۲. مارسل بوآزار، اسلام و جهان امروز، ترجمه: مسعود محمدی / ۱۵۶، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۲۳. همان / ۱۵۶.

۲۴. موريس بوكای، مقایسه ای میان: تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه: مهندس ذبیح الله دبیر/۱۵۹، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۴.
۲۵. اسلام و جهان امروز/۲۷.
۲۶. دایرة المعارف اونیورسالیس، جلد ۶، ماده اناجیل به نقل از: تورات، انجیل، قرآن و علم/۱۵۴.
۲۷. مجموعه آثار شاتو بریان، ۷۰۲/۲، به نقل از: ادوارد سعید، شرق شناسی، ترجمه: دکتر عبدالرحیم گواهی/ ۳۱۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۲۸. تورات، انجیل، قرآن و علم/۱۶۸.
۲۹. رساله ای در تاریخ اعراب قبل از اسلام تا دوره [حضرت] محمد (ص)، ۳/۳۳۳-۳۳۹، اتریش، ۱۹۶۷، به نقل از: شرق شناسی/۲۷۵.
۳۰. درسهایی درباره اسلام/۴۲.
۳۱. همان/۱۵۵.
۳۲. عذر تقصیر به پیشگاه محمد (ص) و قرآن، ۹۸-۹۹.
۳۳. همان/۹۹.
۳۴. روزه گارودی، هشدار به زندگان، ترجمه: علی اکبر کسمایی/۲۶۴، تهران: انتشارات هاشمی، چاپ دوم، زمستان ۱۳۶۴.
۳۵. قرآن را چگونه شناختم/۲۲۲؛ گوستاو لویون، تمدن اسلام و عرب، ترجمه: سید هاشم حسینی/۵۳۹، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۵۸.
۳۶. تورات، انجیل، قرآن و علم/۱۵۵ پاورقی.
37. Daniel.Norman.Islam and the west(the making of an Image).Edingburg. 1962. pp.259-260.
۳۸. اسلام و جهان امروز/۱۱.
۳۹. همان/۱۲، اصطلاح «قرن روشنایی ها» برگرفته از جمله «سنت آگوستین قدیس»، کشیش مسیحی و از مشهورترین آباء کلیسای لاتینی است: «اکنون ما دیگر در قلب «قرن انوار» هستیم.»، این جمله را «جورج سیل» در حاشیه ترجمه خود از قرآن کریم آورده است.